

رزم افزارهای ایران در دوران اسلامی با استناد به آثار هنری

گنجینه اسلامی موزه ملی ایران

مجید ساریخانی*

چکیده

رزم افزارهای ایرانی دارای قدمتی دیرینه و مزین کننده موزه های ایران و جهان هستند. محور اصلی این پژوهش بررسی رزم افزارهای ایران در دوران اسلامی با استناد به داده های گنجینه اسلامی موزه ملی ایران است. عمده مطالب نیز در سه محور تجهیزات نظامی، تشکیلات نظامی و فلزکاری ایران گنجانده شده است. سؤالات پژوهش مبتنی بر آن است که رزم افزارهای ایران در دوران اسلامی چه روندی داشته است و ارتباط آثار هنری گنجینه اسلامی موزه ملی با رزم افزارها چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه موجود بیانگر تحولات تکنولوژیکی و ساختاری ادوات و ابزارهای رزم در دوران اسلامی است. آثار هنری گنجینه اسلامی موزه ملی، شواهد مادی و مدارک مستند و سند پژوهانه ای از طرح و شکل ابزارهای رزم در گونه های متعدد در ادوار مختلف ایران در دوران اسلامی هستند. پس از تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و همراه با بازدید میدانی، نتیجه نشان می دهد رزم افزارها گنجینه اسلامی نمایانگر دو مرحله متفاوت، قبل و بعد از دوره صفویه در تاریخ رزم افزارهاست. تشکیلات نظامی را می توان از نسخه های خطی مرتبط و متون اسلامی باقی مانده استنتاج کرد اما آثار هنری نمی تواند بازگوکننده این تشکیلات باشد.

واژگان کلیدی

رزم افزار، دوران اسلامی، نگاره، موزه ملی، آثار هنری.

طرح مسئله

مدارک و مستنداتى که از کاوش‌های باستان‌شناسى حاصل شده است، قدمت قدیمى‌ترین رزم‌افزارهای ایران را به دوران پارینه‌سنگى مى‌رساند. این داده‌ها بیانگر آن است که انسان‌ها از دوران‌های گذشته همواره یا در ستیز با طبیعت و حیوانات برای دوام بقا، یا در رزم با انسان‌های دیگر، تلاش در ساخت رزم‌افزار داشته‌اند. بهترین اسناد و مدارک برای آگاهی از روند تحول این رزم‌افزارها، آثار موزه‌ای و توصیف‌هایی هستند که در متون اسلامى و کتب تاریخی و ادبى (شاهنامه و خمسه نظامى و ...) از آنها شده است.

از ضرورت‌های این پژوهش، مستند کردن این رزم‌افزارها به شواهد مادی باقى‌مانده از ادوار گذشته و کشف‌شده طى کاوش‌های باستان‌شناسى است که هرکدام مزین‌کننده موزه‌های داخل و خارج هستند. هدف این پژوهش بررسی رزم‌افزارهای ایران در دوران اسلامى براساس مدارک سندپژوهانه است که در موزه ملی ایران نگهدارى مى‌شود. داده‌های گنجینه اسلامى موزه ملی ایران در دو محور ابزارهای رزم ساخته‌شده از فلز و ... و رزم‌افزارهای منقوش بر سفالینه‌ها، ابزارهای فلزى و مینیاتورها و ... مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. برای اینکه بحث محوری پژوهش از تمرکز و غنای بیشتری بهره‌مند گردد، پاسخ‌گویی به سؤالات و فرضیات مطرح‌شده زیر، اساس پژوهش واقع شده است:

سؤال اول: رزم‌افزارهای ایران در دوران اسلامى چه روندی داشته است؟

سؤال دوم: ارتباط آثار هنرى گنجینه اسلامى موزه ملی ایران با رزم‌افزارها چگونه قابل تبیین است؟ این پژوهش دارای دو فرضیه است:

فرضیه اول: مطالعه تاریخ رزم‌افزارهای ایران بیانگر تحولات تکنولوژیکی و ساختاری ادوات و ابزارهای رزم ایران در دوران اسلامى است.

فرضیه دوم: آثار هنرى گنجینه اسلامى موزه ملی ایران شواهد مادی جهت ارائه مدارک مستند و سندپژوهانه‌ای از ابزارهای رزم ایران در دوران اسلامى هستند.

روش تحقیق یا روش کار در این پژوهش، مبتنى بر رویکردى نظرى در قالب توصیفى است و داده‌ها با روش اسنادى و میدانى (بازدید از موزه ملی ایران) گردآورى، سپس با مطالعات کتابخانه‌ای در چارچوب سؤالات و فرضیات پژوهش، طبقه‌بندى و تحلیل شده‌اند.

قبل از وارد شدن به بحث اصلی، به اختصار به پیشینه رزم‌افزارهای ایران در قبل از اسلام پرداخته مى‌شود. شایان ذکر اینکه، در پیشینه نیز تلاش شده است تاریخ رزم‌افزارها در تمامی ادوار قبل از اسلام، مستند به ذکر داده‌های موزه ملی ایران گردد. همچنین به‌خاطر جلوگیری از اطباب بحث، از آوردن تصویر و توضیحات بیشتر راجع به آنها اجتناب و فقط به ذکر محل کشف آنها طى کاوش‌های باستان‌شناسى اکتفا شده است.

مختصری از پیشینه رزم‌افزارهای ایران در قبل از اسلام^۱

قدیمی‌ترین ابزارهای رزم ایران، ابزارهای سنگی دوران پارینه‌سنگی است. کشف سنگ چخماق جزو اولین کشفیات بشر برای ساخت ابزار رزم بوده که در نبردهای تن به تن کاربرد داشته است. با ابداع فلز، ابزارهای رزم وارد مرحله نوینی از تکامل شد و مس به‌عنوان اولین فلز، در ساخت ابزارهای کوچک مثل درفش و سوزن به‌کار رفت. قدیمی‌ترین شیء مسی شناخته‌شده ایران در فاصله بین هزاره هفتم و ششم ق. م از تپه علی‌کش (دوره علی‌کش) و تپه سیلک (دوره اول) و زاغه (دوره چشمه‌علی) به‌دست آمده است.^۲ روند تکامل اجتماعی و پیشرفت صنایع در گذر زمان موجب شده است فناوری در هنر فلزکاری نیز در مسیر تحول و پیشرفت قرار گیرد؛ به‌نحوی که در اواسط هزاره چهارم ق. م فلزکاران با ساخت آلیاژ برنز (مفرغ)^۳ وارد مرحله نوینی از تکنولوژی شدند. کشف مفرغ نه‌تنها باعث توسعه اقتصادی، بلکه منشأ تحولاتی در عرصه نظامی و سیاسی شد؛ چراکه آلیاژ برنز از نظر خواص فیزیکی و ترکیبات شیمیایی بسیار مستحکم‌تر از فلزات خالص مثل طلا و مس بوده و به همین دلیل کاربرد وسیعی در ساخت ادوات رزم داشته است. از مهم‌ترین مناطقی که در آنجا آثار رزمی مفرغی به‌دست آمده و موزه ملی ایران را مزین نموده است می‌توان به املش (خنجر) و عمارلو گیلان (خنجر و شمشیر)، خوروین (خنجر و سرپیکان)، مارلیک (سرنیزه، خنجر و سرگز)، تپه حصار دامغان (خنجر) و لرستان (خنجرها، سرتبرها و روکش تیردان) اشاره کرد.

فلزکاران ایران در اواسط هزاره دوم ق. م (۱۵۰۰ ق. م) به نوآوری جدیدی در عرصه هنر فلزکاری دست یافتند که آن دستیابی به استخراج و ذوب آهن بود که در روند تحول و پیشرفت ابزار و ادوات رزم گام مهمی به‌شمار می‌آمد. با کشف این فلز، تاریخ ایران وارد عصر آهن شد. مدارک باستان‌شناختی نشان می‌دهد بیشترین کاربرد آهن در این دوره منحصر به تولیدات صنعتی کاربردی، به‌خصوص ادوات رزمی بوده است که آثار به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی «حسنلو» و «قلی درویش جمکران قم» (عصر آهن ۱ و ۲) گویای این مطلب است.

دوره هخامنشی، دوره اقتدار ایران و شکل‌گیری امپراتوری و به‌وجود آمدن یک حکومت فراگیر است که این میسر نشد مگر اینکه قوایی مسلح به ادوات و ابزار رزم پشتوانه آن باشد. عمده‌ترین این قوا «گارد جاویدان» بود که ده هزار سرباز ورزیده را شامل می‌شد. همه افراد گارد جاویدان از میان پارسیان انتخاب می‌شدند. ابزار و ادوات رزم این دوره را نه‌تنها از آثار منقول نظیر شمشیرهای آهنی - کشف‌شده از مشکین‌شهر و رشی گیلان و موجود در موزه ملی ایران - بلکه از نقش برجسته‌های این

۱. در این مبحث تلاش شده است تا پیشینه رزم‌افزارهای قبل از اسلام نیز مستند به داده‌های موزه ملی ایران باشد.

۲. لک‌پور، سفید روی، ص ۷.

۳. مفرغ ترکیبی از مس و قلع می‌باشد.

دوره نظیر تخت جمشید می‌توان استنتاج کرد؛ به‌نحوی که حتی می‌توان ابزارهای رزم ساتراپی‌های هخامنشی و ملل گوناگون تحت اداره حکومت هخامنشی را از هم تفکیک کرد. تکنیک‌های ساخت فلز در این دوره شامل ریخته‌گری، چکش‌کاری و سوار کردن فلزی روی فلز دیگر و نیز تزئین فلزات به‌وسیله سنگ‌های قیمتی بود.

تشکیلات نظامی دوره ساسانی بیشتر ادامه تشکیلات هخامنشی و اشکانی است و فرمانده ارتش را تا دوره حکمرانی انوشیروان (تقریباً اواخر آن) «اران سپهبد» یا «ایران سپهبد» می‌گفتند؛^۱ اما در اواخر حکومت انوشیروان، ارتش دارای چهار اسپهبد شد و قدرت بین چهار شخص با قدرت یکسان تقسیم گشت و برای حفظ هر قسمت از قلمرو امپراتوری، شخصی با عنوان «سپاهبذ» تعیین شد.^۲ رسته سواره‌نظام دوره ساسانی از دو قسمت تشکیل می‌شد: سواران سنگین اسلحه و سواران سبک اسلحه. سواران سنگین اسلحه ساسانی تقلیدی از ساختار سواران سنگین اسلحه پارتی بود. در این باره توینی گفته است: «پارتیان، سواره‌نظام زرهی سنگین اسلحه را برگزیدند و این سرمشق از سوی جانشینان آنها، ساسانیان نیز پیروی گردید.»^۳ این قست «... ستون فقرات سپاه ایران ...»^۴ بود. اسلحه و پوشش سوار سنگین اسلحه بدین‌گونه بود: زرهی از پیش‌های پولادی که تقریباً تا زانو می‌رسید، به تن داشت. نیزه‌ای به دست راست و سپری به دست چپ می‌گرفت و به پهلو او ترکش آویزان بود. به سر کلاه‌خودی می‌گذاشت و صورتش به جز چشم، پوشیده بود. اسب او به گستوان چرمی محفوظ بود. شخص سوار با نیزه و شمشیر می‌جنگید و گرز بر پهلو می‌آویخت و کمانی با دو زه بر پشت می‌بست. جایگاه این سواران هنگام جنگ «... پیشاپیش لشکریان ...»^۵ بود. سواران سنگین اسلحه «... به‌وسیله سواره‌نظام سبک اسلحه، یعنی کمانداران که از اشراف کوچک سازمان یافته بودند، حمایت می‌شدند.»^۶ قسمت دیگر سواره‌نظام، سواران سبک اسلحه بودند. این قبیل سواران، زره چندانی نداشتند و اسلحه آنها شمشیری کوتاه و دیگر اسلحه‌های سبک بوده است.^۷ واحد دیگر تشکیلات ارتش دوره ساسانی پیاده‌نظام بود که از سه دسته پیاده سبک اسلحه، پیاده سنگین اسلحه و پیاده تیرانداز تشکیل می‌شد. سپاه پیاده از

۱. کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۹۳ - ۹۲؛ گیرشمن، *هنر ایران در دوران پارت و ساسانی*، ص ۳۷۴.

۲. همان، ص ۳۷۶؛ طبری، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک*، ج ۲، ص ۶۴۶.

۳. توینی، *جنگ و تمدن*، ص ۱۲۰.

۴. ویسهوفر، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ص ۲۴۲.

۵. نفیسی، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، ج ۱، ص ۲۸۹.

۶. گیرشمن، *هنر ایران در دوران پارت و ساسانی*، ص ۱۲۰.

۷. قوزانلو، *تاریخ نظامی ایران*، ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۱۳.

لحاظ درجه و اهمیت همانند دوره‌های قبل، بعد از سواره‌نظام قرار داشت؛ اما از لحاظ شماره «... درصد بزرگی از کل سپاه را تشکیل می‌داد ...»^۱ دوره ساسانی، درخشان‌ترین دوره هنر فلزکاری به‌خصوص در ساخت تجهیزات رزم در تاریخ ایران است.

بحث و تحلیل

با استناد به اینکه داده‌های مورد بررسی در این پژوهش آثار هنری گنجینه اسلامی موزه ملی ایران هستند، این داده‌ها محدود به دوره‌های اوایل اسلام (سامانیان)، غزنویان، سلجوقیان، ایلخانی (مغول)، صفوی، زند و قاجار است. به‌طبع این مبحث نیز بیشتر تأکید بر دوره‌های مذکور دارد و داده‌های بررسی‌شده رزم‌افزارهایی هستند که روشن‌کننده تجهیزات نظامی ایران در این ادوار است. جهت آگاهی از نحوه ساخت این ابزارها تلاش شده است به فلزکاری ادوات و ابزار رزم و روند تاریخی و تکنیکی آنها پرداخته شود. اما در ابتدا و قبل از وارد شدن به بحث رزم‌افزارها، برای دست یافتن به نگاهی جامع‌تر نسبت به ادوات و ابزارهای رزم، تشکیلات نظامی ایران در دوران اسلامی مورد مذاقه قرار گرفته است.

تشکیلات نظامی ایران در دوران اسلامی

دوره اسلامی در ایران با تسلط مسلمانان و ارتش رزمی آنها بر این سرزمین شروع می‌شود. بعد از شکل‌گیری سلسله‌های حکومتی نظیر سامانیان، غزنویان، آل‌بویه و سلجوقیان در ایران، عناصر غلام سپاهی نقش ویژه‌ای هم در نظامی‌گری و هم در تحولات سیاسی منطقه ایفا کردند. ایجاد تنوع و رقابت در لشکریان، عدم اعتماد به بومیان و خویشاوندان قومی و قبیله‌ای، استفاده از قابلیت‌های نظامی غلام سپاهیان و این نگرش که غلام سپاهیان به‌علت فقدان تعلقات اجتماعی مطیع‌تر می‌باشند، اساسی‌ترین عواملی بودند که نظام‌های سیاسی را به استفاده از غلام سپاهی وامی‌داشت. در ساختار نظامی ایلخانان حضور پررنگ غلام سپاهیان رخت برپست.

سیستم غلام سپاهی در دوره سامانیان از نظر تشکیلات اداری زیر نظر «دیوان شرطه» بود. براساس نگاره‌ها و نقاشی دیواری برجای مانده از سپاهیان سامانی می‌توان به سلاح‌ها و زینت‌افزارهایی از جمله کمربندها، شمشیرها، گرزهای مرصع و طلاکاری شده اشاره کرد (نقاشی دیواری موجود در گنجینه اسلامی موزه ملی ایران با شماره موزه ۳۲۸۲). در این دوره واژه «اولیا» برای سپاهیان استفاده می‌شد که به‌طور مرتب مواجب دریافت می‌کردند و در دوره عباسی و آل‌بویه، به نظام «مرتزقه» موسوم بوده است.

سازمان سپاه غزنوی از روی نمونه ارتش سامانی و آل بویه شکل گرفته بود و همان طور که ذکر شد، هسته اولیه این سپاه، غلامان بودند که سیستم غلام سپاهی را تشکیل می دادند. فرماندهی عنصر غلامان با «سالار غلامان» بود که درجه اهمیت شغل او بعد از فرمانده کل سپاه یا «حاجب بزرگ» بود.^۱ جنگ افزارهای انفرادی سربازان غزنوی اساساً از نوع جنگ افزارهایی بودند که پیوسته در عالم ایرانی به کار می رفت. سلاح پیادگان منظم، کمان بود و در هنگام جنگ ها، گرز، نیزه و زوبین نیز به کار می بردند. آنها نیم تنه زرهی به تن می کردند و سپرهایی که روکش پوستی یا فلزی داشت، به دست می گرفتند. سواره نظام سپاه، مسلح به کمان، تبرزین، گرز، نیزه، شمشیر و قلاچور^۲ بودند.^۳ در ارتش غزنوی سواره نظام از لحاظ رزم آریایی و تحرک و توانایی حمله به دشمن و سودمندی در جنگ و گریز، مهم ترین بخش نیروی نظام به شمار می آمد؛ اما ارزش پیاده نظام در جنگ های منظم و به محاصره در آوردن دشمن بود. هندیان و دیلمیان از گروه های ممتاز در ارتش غزنوی بودند.^۴

برای مطالعه رزم افزارهای ایران در دوره غزنوی و حتی دوره های بعد از آن بهترین منبع که به ذکر ادوات رزم پرداخته، شاهنامه فردوسی است؛ چراکه تمام ادوات و ابزار رزمی که در آن دوره رایج بوده، در این نسخه خطی به بهترین وجه به رشته تحریر درآمده است. از آن مهم تر اینکه، هنرمندان نقاش، فلزگر، سفالگر و ... چه هم زمان با خلق اثر (مانند دیوار نگاره کاخ لشکری بازار در افغانستان) و چه در دوره های بعد از آن، در خلق بیش از صدها اثر هنری نظیر سفال و فلز و نسخ مصور (شاهنامه دموت ایلخانی، شاهنامه بایسنقری تیموری، شاهنامه شاه طهماسب صفوی و ...) از مضامین حماسی این کتاب ارزشمند بهره برده اند. هر هنرمند متناسب با برهه زمانی که زندگی می کرد، در به تصویر کشیدن رزم افزارهایی که ذکر آن در شاهنامه آمده، اهتمام داشته است. در این پژوهش به دو نسخه مصور از این شاهنامه که در دوره صفوی استنساخ یافته، استناد شده است. نکته ای که در مورد شاهنامه و تحریر آن در دوره های مختلف تاریخی شایان ذکر می باشد آن است که شاهنامه معروف ترین منظومه حماسی ایران و از شاهکارهای ادبیات جهان است که فردوسی را بزرگ ترین شاعر حماسه سرای فارسی و شاهنامه اش را فخریم ترین حماسه ملی ایرانیان معرفی کرده است.^۵ قسمت

۱. ادموند باسورث، تاریخ غزنویان، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۸.

۲. شمشیر بلند خمیده را «قلاچور» گویند.

۳. ادموند باسورث، تاریخ غزنویان، ص ۹۵ و ۹۸.

۴. مبین، «حضور دیلمیان در تشکیلات نظامی حکومت های متقارن»، پژوهشنامه تاریخ، سال دوم، شماره هفتم،

۱۳۸۶، ص ۱۱۶.

۵. از قدیمی ترین نسخه های تاریخ دار شاهنامه فردوسی می توان به نسخه کتابخانه ملی فلورانس (۱۶۱۴ ق)

۶. زنجانی، «شاهنامه فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس (۱۶۱۴ ق)»، نامه بهارستان، سال اول، ش ۱،

عمده مضامین نگارگری ایران که از زیر قلم استادان زبردست بیرون آمده، از اشعار حماسی فردوسی الهام پذیرفته و صحنه‌های قهرمانی آن، نقاشان ایرانی را به هنرنمایی برانگیخته است. مضمون‌های حماسی و رزمی *شاهنامه* همواره پرورش‌دهنده احساسات وطن‌خواهانه و الهام‌بخش وحدت ملی در بین مردم ایران بوده و دل‌های پراکنده افراد طوایف مختلف را به هم پیوند می‌زده است. یکی از زیباترین شاهنامه‌های مصور موزه ملی ایران که مربوط به دوره صفویه و دارای مینیاتورهایی در مکتب تبریز است، نسخه خطی با شماره موزه ۴۳۳۶ می‌باشد.^۲

دوران حکومت سلاجقه دوره‌ای است که بر وسعت سرزمین تحت سلطه آنها به تدریج افزوده می‌شود؛ به گونه‌ای که آنها توانستند یکی از مقتدرترین دولت‌های آن دوران را به وجود آورند. مهم‌ترین ویژگی امرای سلجوقی، بهره‌گیری از هرگونه ابزار نظامی برای رسیدن به مقاصد سیاسی بود. از مهم‌ترین مسائل مربوط به اندیشه نظامی در این دوران، تألیف اثر ماندگار *خواجہ نظام‌الملک طوسی*، وزیر اعظم ملک‌شاه، تحت عنوان *سیاست‌نامه* است که حاوی اندیشه‌های سیاسی و نظامی آن روز ایرانیان می‌باشد.^۳ تشکیلات و ارکان نظام سلجوقی از سه قسمت تحت عناوین نیروی انسانی، تشکیلات و تجهیزات و سازوبرگ مورد مطالعه پژوهشگران قرار گرفته است. تشکیلات نظامی سلجوقیان شامل سواره‌نظام و پیاده‌نظام بود. طبق آمار متون تاریخی، تعداد سواره‌نظام‌ها بیش از پیاده‌نظام‌ها بود.^۴ از درجاتی که در دوره سلجوقی برای نظامیان رایج بود عبارتند از: اوتاق باشی، سرخیل، حاجب و امیر «که در بعضی منابع سالار، سپهسالار و امیرسالار و یا امیر اسفہسالار»^۵ نیز آورده شده است. در سپاه سلجوقی جنگ‌افزارهای سبک عبارت بودند از تیر، کمان، سپر، نیزه، شمشیر، گرزونجاق (نوعی تبرزین)، خنجر و کارد. جنگ‌افزارهای سنگین بیشتر در محاصره شهرها و قلاع که معمولاً به وسیله آب یا خندق محصور شده بود، به کار می‌رفت. بنابر کارایی این آلات و ادوات می‌توانیم آنها را جنگ‌افزارهای محاصره‌ای بنامیم؛^۶ مانند منجنیق و ازاده و چرخ. شکست خوارزمشاهیان و پیروزی چنگیز با فداکاری سپاه مغول انجام پذیرفت. به همین جهت

-
۱. ۱۳۷۹، ص ۴۵، نسخه دارالکتب قاهره (۷۰۵ ق) و نسخه توپقاپوسرای استانبول (۷۳۱ ق) اشاره کرد. (غروی، «قدیمی‌ترین شاهنامه مصور جهان»، *مجله هند و مردم*، ش ۱۳۵، ۱۳۷۵، ص ۴۴ - ۴۳)
 ۲. این شاهنامه به خط نستعلیق و دارای ۸۵۰ صفحه و هر صفحه آن دارای ۲۷ سطر می‌باشد و در مجموع دارای ۲۶ مجلس نقاشی است.
 ۳. مطالب تکمیلی آن در همین مقاله در مبحث «نگاره‌های رزم در نسخ خطی مصور» آمده است.
 ۴. ر.ک به: نظام‌الملک، *سیاست‌نامه*، به کوشش مرتضی مدرس چهاردهی، تهران، نشر طهوری، ۱۳۳۲.
 ۵. ابن‌الجوزی، *مرآت الزمان*، ص ۱۰۲ - ۱۰۱.
 ۶. نیشابوری، *سلجوقنامه*، ص ۳۷ و ۵۹.
۶. *اصفهانیان*، «تشکیلات نظامی سلجوقی»، *دو ماهنامه بررسی‌های تاریخی*، آذر و دی ۱۳۵۲، شماره ۴۸، ص ۶۰.

این سپاه از اهمیت ویژه‌ای برای خان مغول برخوردار بود؛ و بنابه گفته جوینی «و اما ترتیب لشکر از عهد آدم تاکنون که اکثر اقالیم در تحت تصرف و فرمان چنگیزخان است، از هیچ تاریخ مطالعت نیفتاده است و در هیچ کتاب مسطور نیست ...»^۱ در عهد چنگیزخان سه امیر تومان اصلی وجود داشت که هر کدام با توجه به سازمان خود به واحدهای دیگری تقسیم می‌شدند. این سه امیر تومان در واقع فرماندهان لشکرهای جناح راست و چپ و میانه بودند.^۲ علاوه بر اینکه این سه فرمانده نیروهای تحت امر خود را هدایت می‌کردند، یک نفر هم فرماندهی کل نیروها را برعهده داشت و همه جناح‌ها موظف به اجرای دستور او بودند. در دربار ایلخانی سربازان مشهوری به این سمت منصوب می‌شدند که مغولان آنان را «بیگلربیگی» و ایرانیان «امیرالامرا یا میر میران» می‌نامیدند.^۳ آرایش نبرد مغول‌ها از پنج خط تشکیل می‌شد و فاصله بین خطوط نسبتاً زیاد بود؛ سواران سنگین اسلحه دو خط اول و سه خط دیگر را سواران سبک اسلحه تشکیل می‌دادند. همین‌که دو طرف متخاصم به یکدیگر نزدیک می‌شدند، سه خط سوار سبک اسلحه در فواصل معین به سمت دو خط سوار سنگین اسلحه پیش می‌راندند و دشمن را زیر رگبار زوبین‌ها و تیرهای خود قرار می‌دادند. سازمان‌دهی ارتش چنگیز مبتنی بر ده، سده و هزاره بود و از میان دهه، سده و هزاره لشکری دیگر انتخاب می‌گردید که به آن «تما» می‌گفتند.^۴

دوره بعدی که رزم‌افزارهای آن موزه ملی ایران را مزین نموده است، عصر صفویان می‌باشد. صفویان براساس جنگاوری سپاهیان قزلباش قدرت گرفتند. سپاهیان قزلباش، گردآمده از طوایف مختلف بودند و تحت فرماندهی امیر طایفه قرار داشتند و «امیرالامرا» یا «بیگلربیگی» در رأس امیران نظامی طوایف بود. «بیگلربیگیان اجازه فرماندهی قوای نظامی را در قلمرو خود داشتند و می‌توانستند به افراد القاب و مناصب ببخشند.»^۵ «قورچی‌باشی» از دیگر عناوین نظامی دوره صفویه بود که نقش مهمی در اداره کشور برعهده داشت و نقش وی به‌مثابه وزیر جنگ و دفاع بود. سپاه در دوره صفویه نیز به دو دسته سواره‌نظام و پیاده‌نظام تقسیم می‌شد که زیر نظر «قورچی‌باشی» به خدمت مشغول بودند. در دوره صفوی اسلحه‌سازی رونق بسیار یافت. تشکیلات و تجهیزات نظامی در دوره شاه عباس اول عبارت بودند از: پیاده‌نظام و سواره‌نظام. سواره‌نظام خود شامل قولر

۱. جوینی، *تحریر نوین جهانگشای جوینی*، ص ۲۱.

۲. طرف چپ «موخومی»، طرف راست «بوغورچی» و میانه «نایا» نام داشت. (بارتولد، *ترکستان‌نامه*، ج ۲، ص ۸۰۳)

۳. اشپولر، *تاریخ مغول در ایران*، ص ۳۹۸.

۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: اسماعیلی، فتوح مغول تا تشکیل حکومت ایلخانان، *مجموعه فرهنگ اصطلاحات*

دیوانی مغولی، ص ۲۸ - ۲۷.

۵. *دیوانی، تاریخ فرهنگ و تمدن دوره صفویه*، ص ۱۳۲.

(بیشتر غلامان گرجی و چرکس بودند و اسلحه آنها تفنگ بود)، قزلباش‌ها (با اسلحه تیر، کمان، شمشیر و سپر)؛ قورچی‌لر (گارد مخصوص شاه صفوی)^۱ بودند. خان‌بابا بیانی در کتاب *تاریخ نظامی ایران* به تفصیل به ساختار ارتش صفویه و اجزای تشکیل‌دهنده آن و بخش‌های مختلف، ویژگی‌های نظامی و فرماندهان رده‌های مختلف ارتش پرداخته است.^۲

دوران سی‌ساله سلطنت کریم‌خان زند یکی دیگر از مقاطع تاریخی ایران بود. کریم‌خان با وجود ناملایمات توانست فتنه‌های داخلی را خاموش کند، عثمانی‌ها را به عقب براند و بصره را تصرف و یک کشور متحد ایجاد نماید. بعد از کریم‌خان زند، لطفعلی خان زند به قدرت رسید. تشکیلات نظامی دوره زندیه عبارت بودند از: ۱. نیروی سواره‌نظام؛ ۲. نیروی پیاده‌نظام؛ ۳. رسته توپچی‌ها و زنبورکچی‌ها؛ ۴. رسته گارد حکومتی و پادگان‌های شهری.^۳

در این دوره فرماندهی کل تشکیلات با شخص وکیل‌الرعا یا بود. رده‌بندی سپاهیان نیز برپایه دهگانی بود. تجهیزات نظامی این دوره عبارت بودند از: کلاهخود، سپر، شمشیر، تیر، کمان، تیردان، خنجر، توپ، تفنگ و تپانچه‌های فتیله‌ای.

روی کار آمدن قاجارها مصادف با آغاز قرن نوزدهم میلادی بود. در این دوره ایران بدون آنکه بخواهد، با جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی‌شاه به دایره سیاست جهانی کشیده شد. این امر باعث تحولات اساسی در ساختار سپاه ایران گردید. البته در اواخر عمر آغا محمد خان قاجار چند تن از افسران روسی به ایران آمده بودند تا به فرمان شاه قاجار در شهر قزوین به تعلیم و تربیت قوای نظامی بپردازند. این افسران روس بعد از برادران «شرلی» در زمان شاه عباس صفوی، از اولین افراد خارجی بودند که به تعلیم قوای ارتش ایران گمارده شدند، که البته به فرجامی نرسید.

در دوران فتحعلی‌شاه، ارتش ایران تقریباً به همان وضع دوره صفویه بود و به دو دسته کلی تقسیم می‌شد: یکی قشون پارکابی شامل هفتاد و پنج هزار نفر که همیشه ملنزم رکاب شاه بودند؛ دیگری قشون ولایتی که تحت فرمان حکام محلی، شاهزادگان و سران ایلات بودند. تشکیلات و تجهیزات ارتش ایران بنابه گزارش ژنرال گاردن در سال ۱۳۲۳ ق به شرح زیر می‌باشد:

۱. جمشیدی، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، ص ۴۱۸.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: خان‌بابا بیانی، *تاریخ نظامی ایران: جنگ‌های دوره صفویه*، محبت دوم کتاب. این بخش شامل مباحثی در زمینه‌های سواره‌نظام، توپخانه، نسقچی‌لر، روش جنگی، انضباط در ارتش، نیروی دریایی، پرچم ارتش، آلات موسیقی نظامی، وزیر سرکار غلامان، وزیر تفتنچی‌یان، افسران ارشد (شامل قورچی‌باشی، تفتنچی، آقاسی، قوللر آقاسی، توپچی‌باشی)، افسران جزء، خواربار و حمل و نقل و وسایل ارتباط و خبرگزاری در ارتش و ارتش در زمان صلح می‌باشد.

۳. ر.ک به: *شهبازی، «ارتش ایران در دوران زندیه»، مجله پژوهشنامه تاریخ، ش ۲، ۱۳۸۵، ص ۷۱.*

۱. پیاده‌نظام که عبارت از شش هزار نفر و اسلحه آنها تفنگ سرپر بسیار سنگینی بوده است که هنگام شلیک آن را روی سه‌پایه‌ای قرار می‌دادند.
 ۲. سواره‌نظام که شامل ۱۴۴ هزار نفر و اسلحه آنها تفنگ سرپر و نیزه و تفنگ‌های آنها بلند و قطر سپرهایشان نزدیک به ۴۵ سانتیمتر بوده است^۱
 ۳. توپخانه که شامل ۲۵۰۰ نفر توپچی که توپ‌های آنها بیشتر از نوع روسی و زنبورک‌هایی بوده که با شتر حمل می‌شدند.
- دوره قاجار عصر آشنایی با تمدن غرب در همه ابعاد و زمینه‌هاست. پس از شکست‌های خفت‌بار سپاه ایران از دولت تزاری روسیه، نخست عباس‌میرزا و به‌دنبال او سایر سیاست‌پیشگان به‌نسبت روشنفکر ایران در پی شناسایی فنون نظامی غرب و وارد کردن تجهیزات نظامی از اروپا برآمدند و در پی آن دسته‌ای از لغات و اصطلاحات خاص این رشته به ایران وارد و متداول شد.^۲
- با روی کار آمدن ناصرالدین شاه و به صدارت رسیدن امیرکبیر، اولین مدرسه عالی نظام ایجاد شد و به دستور امیرکبیر در روش سربازگیری تحول عمیقی صورت پذیرفت. در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار و طی سفر ناصرالدین شاه به روسیه و طبق درخواست وی، قزاق‌ها وارد ارتش ایران گردیدند. از این تاریخ قدرت نیروی قزاق با تاریخ سیاسی ایران گره خورده است؛ به طوری که قزاق‌ها که بازوی نظامی روسیه در ایران بودند، در جریان نهضت مشروطیت با به توپ بستن مجلس شورای ملی با پیروی از منویات دولت روسیه تزاری، مستقیماً در صحنه سیاسی ایران نقش‌آفرینی کردند. اوج تأثیرگذاری این نیرو در سیاست داخلی ایران در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به رهبری رضاخان بود.^۳
- از دیگر تشکیلات نظامی این دوران می‌توان به «ژاندارمری» و «نیروی پلیس جنوب ایران» اشاره کرد.

تجهیزات و رزم‌افزارهای ایران در دوران اسلامی (مستند به آثار موزه ملی)

بررسی تجهیزات و رزم‌افزارهای گنجینه اسلامی موزه ملی ایران در دو محور مورد بحث و تحلیل

۱. از نمونه تفنگ‌های قاجاری می‌توان به نگاره‌ای با شماره موزه ۴۵۸۳ اشاره کرد. در تصویر ۱ نقاشی یک سرباز قاجاری مسلح به تفنگ بلند و شیپور جنگی به تصویر کشیده شده است. شایان ذکر است تفنگ از اختراعات بعد از توپ می‌باشد. از این ابزار جنگی ابتدا در اروپا در اوایل قرن ۱۵ م استفاده شد و سپس عثمانی‌ها آن را به‌کار بردند. طبق مآخذ موجود ایرانی، شروع به‌کار بردن تفنگ در ایران به سال ۱۴۷۸ م مربوط می‌شود؛ ولی طبق مآخذ اروپایی از سال ۱۵۰۷ م شروع می‌شود. از سال ۱۵۲۰ م به بعد در منابع ایرانی مآخذ زیادی در مورد استفاده از اسلحه گرم در ایران وجود دارد.
۲. برای اطلاعات بیشتر رک به: مدرسی، سامعی و صفوی مبرهن، فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار (قشون و نظمیه).
۳. عسکرانی، «نقش نیروهای نظامی ایران در شکل‌گیری کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹»، مجموعه مقالات

واقع شده‌اند: الف) ابزارهای رزم ساخته‌شده از فلز و ...؛ ب) رزم‌افزارهای منقوش بر سفالینه‌ها، ابزارهای فلزی، مینیاتورها و ... که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

یک. ابزارهای رزم ساخته‌شده از فلز و ...

اسلحه‌سازی و فلزکاری ایران در اوایل دوره اسلامی (سلسله حکومت‌های محلی) تحت‌تأثیر فلزکاری ساسانی، به‌خصوص در مراکز فلزکاری آن دوره (بلخ، هرات، مرو و نیشابور) به روند رو به رشد خود ادامه داد؛ به‌ویژه «در قلمرو سامانیان (شمال شرق ایران) به ذروه کمال رسید.»^۱ نشانه تأثیرگذاری فلزکاری و اسلحه‌سازی ساسانی (قبل از اسلام) در صدر اسلام را می‌توان در شمشیر آهنین که با شماره موزه ۲۲۲۷۵ (تصویر شماره ۲) در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود ملاحظه کرد، این شمشیر آهنی دارای نیام نقره و مربوط به صدر اسلام است (احتمالاً قرن ۳ و ۴ ق). یکی از مشابهت‌های این شمشیر با شمشیرهای قبل از اسلام را باید در مستقیم و راست بودن تیغه آن دانست. از این لحاظ می‌توان آن را با شمشیرهای دوران پارت و ساسانی که در موزه ملی ایران وجود دارند، مقایسه نمود. روی نیام این شمشیر دارای تزیینات فلسی شکل و پشت نیام دارای تزیینات حلزونی شکل است. شایان ذکر است این نوع تزیینات نمایانگر تأثیرپذیری از هنر ساسانی است که در اوایل اسلام نیز ادامه پیدا کرده است.

از دیگر ابزارهای رزمی موزه می‌توان به سر پیکان آهنی با شماره موزه ۲۱۰۵۵ و تبریزین برنزی با شماره موزه ۲۳۴۷۶ اشاره کرد که به ترتیب در فسا و بیشاپور به‌دست آمده‌اند. در سده‌های چهارم و پنجم هجری نواحی خراسان، طبرستان و فارس از مراکز ساخت اشیا فلزی و ابزار رزم بود؛ چنان‌که در کتاب *البلدان* آمده: «مردم فارس در ساختن انواع قفل و کلید و آینه و گردن‌بند و پرداخت شمشیر و زره از همه ماهرترند.»^۲ از جمله ابزارهای رزم این دوره می‌توان به تبر نقره‌ای با شماره موزه ۴۴۰۲ اشاره کرد که در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد.

فلزکاری در دوران سلجوقی به‌خصوص در زمینه ساخت جنگ‌افزار به اوج خود رسید؛ اما فلزکاران از به‌کار بردن دو فلز گران‌بها در ساخت اشیای تجملی به‌دلیل نكوهیده بودنش (طلا و نقره) محروم شدند. به همین دلیل هنرمندان این دو فلز را برای ترصیع فلزات دیگر و تزیین آنها به‌کار می‌بردند و با این کار باعث رواج تکنیک‌های تزیینی نقره‌کوب و طلاکوب در هنر فلزکاری ایران شدند. از جمله ابزارهای رزم این دوره می‌توان به تبر برنزی با شماره موزه ۴۹۶۹ اشاره داشت. بر روی این اثر زائده برآمده کوچکی وجود دارد، نوک آن تیز است، محل قرار گرفتن دسته در انتهای آن قرار داشته است و در دو طرف آن چهار خط موازی وجود دارد. سطح تبر فاقد تزیینات بوده و از گرگان به‌دست آمده است.

۱. آلن، فلزکاری، ص ۱۷۱.

۲. ابن فقیه، *مختصر البلدان*، ص ۸۶.

اثر دیگر، سر گرز استوانه‌ای با شماره موزه ۳۴۶۶ می‌باشد که دارای هشت ترک و مزین به کتیبه کوفی با کلمه «البر» است. این واژه در میان نقوش اسلیمی در چهار ترک تکرار شده است. در دور دهانه نیز کلمه «البر» آمده است. مجموعه آثار ذکرشده بیانگر سبک ابزارهای رزم دوره سلجوقی است.

رزم‌افزارسازی در ایران بر اثر حملات ویرانگرانه مغولان دچار وقفه شد. هنرمندان فلزکار شمال شرق ایران که در ساخت رزم‌افزار مهارت داشتند، به نواحی غربی‌تر به‌خصوص شهرهای همدان، تبریز، موصل و بغداد پناه بردند و باعث ایجاد سبک نوینی به‌نام فلزکاری ایلخانی شدند. در شکل‌گیری فلزکاری دوره ایلخانی علاوه بر سبک‌های ایرانی (خراسانی) و بین‌النهرینی، فلزکاری شرق دور نیز مؤثر واقع شده است؛ چراکه در پایان سده هفتم هجری فلزکاری شرق دور همراه با ورود مغول‌ها به ایران رسید. عناصر واردشده بیشتر در مضمون نقوش رزم‌افزارها نهفته است. از جمله این نقوش می‌توان به اجرای طبیعت‌گرایانه ارائه‌های گیاهی (به‌ویژه نیلوفر آبی و گل صد تومانی) و کشیدگی خاص شکل انسانی اشاره داشت.^۱ سبک تزینی رایج در فلزکاری ایلخانی، ترصیح و بهترین ابزار ساخته‌شده با این تکنیک تزینی، اسطراب بوده است. از جمله ابزارهای رزم این دوره می‌توان به تبر نقره‌ای با شماره موزه ۴۴۰۲ اشاره کرد که در نوع خود منحصر به فرد است.

از دیگر دوره‌ها که موزه ملی ایران مزین به داده‌های باستان‌شناختی آن می‌باشد، عصر صفویه است. تجهیزات نظامی این دوره با انواع نقوش حیوانی، گیاهی، اسلیمی و کتیبه مزین شده است. آنچه در کتیبه‌ها مهم است، رواج خط نستعلیق بر روی اشیا می‌باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به سپر فولادی (شماره موزه ۲۳۶۸۷) اشاره کرد که دارای کتیبه‌هایی به خط نستعلیق و ثلث می‌باشد و در مرکز سپر، کتیبه «السلطان شاه عباس» نقر (حکاکی) گردیده است. این اثر همچنین دارای متن «غرض نقشی است که از ما ماند» می‌باشد و داخل دایره جداکننده نیز آمده است: «شاه عباس». این سپر دارای فرم مدور و محدب و دارای چهار قبه بر سطح خارجی و چهار عدد حلقه در پشت آن و نیز دارای تزیینات کنده‌کاری و طلاکوبی است. سراسر سطح خارجی سپر دارای نقوش اسلیمی، گل، بوته و کتیبه می‌باشد. کتیبه‌ها درون مدالیون‌های کوچک و بزرگ در دو ردیف نوشته شده‌اند و در وسط سپر، مجلس جنگ به تصویر کشیده شده است. صحنه به نقش درآمد شامل سوارکار و سایر حیوانات می‌باشد که برجسته‌کاری شده است. در این دوره، از فولاد برای ساخت ابزار و سلاح‌های رزمی و جنگی (شمشیر، سپر، چهارآینه و ...) استفاده فراوان می‌کردند. استادکاران دوره صفوی که بیشتر در غرب و شمال غرب ایران و اصفهان حضور داشتند، در به‌کارگیری فولاد صیقل‌خورده بی‌همتا بودند. بیشتر ظروف فلزی این دوره دارای نام

سازنده و محل ساخت و یا نام صاحبان آن می‌باشد. نام صاحب اثر یا اشعار فارسی حک شده روی آثار فلزی این دوره در داخل ترنج‌ها جای داده شده است.^۱ به‌عنوان نمونه می‌توان به شمشیر فولادی طلاکوبی اشاره داشت که با شماره موزه ۲۱۶۷۱ در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود (تصویر ۳) و در درون یک ترنج «بنده شاه ولایت عباس» و در قسمتی دیگر «عمل اسدالله» طلاکوبی شده است. این شمشیر دارای قبضه‌ای از عاج می‌باشد.

دو. رزم‌افزارهای منقوش بر سفالینه‌ها، ابزارهای فلزی، مینیاتورها و ...

نگاره‌های سفال، فلز و نسخ خطی و سایر آثار هنری از جمله مدارک مستندی هستند که برای مطالعه فرهنگ و تکنولوژی اقوام گذشته کاربرد فراوان دارند. این آثار بسیاری از راز و رمزهای هنر و صنعت ایران را از دوران پارینه‌سنگی تاکنون در خود جای داده است. پرده برداشتن از رموز این نگاره‌ها پژوهش‌های نوین متعددی از زوایای مختلف هنر، صنعت و ... می‌طلبد. بخشی از این مقاله در این راستا انجام پذیرفته و تلاش کرده است از نگاره‌های سفال و نسخ مصور استعانت جوید تا تکنولوژی رزم‌افزارهای ایران را از صدر اسلام تا اواخر دوره قاجار با بهره‌جویی از آثار موزه ملی ایران بازیابی نماید که در ادامه به تفصیل به آن پرداخته شده است.

۱. نگاره‌های رزم در نسخ خطی مصور

نسخ خطی از دو منظر، رزم‌افزارهای ایران را برای محققین نمایانده است: یکی از نظر متن‌هایی است که حاوی مطالبی در رابطه با انواع رزم‌ابزارها در نسخه‌های مختلف نگاشته شده و شامل اصطلاحات رایج در حوزه ابزارهای رزم در دوره‌های مختلف است؛ دیگری نسخ خطی مصور دارای مجالس رزمی است که تصاویر رزم‌افزارها را در مینیاتورها به منصفه ظهور رسانده‌اند و برای نسل‌های بعد باقی گذاشته‌اند. یکی از نسخه‌هایی که مکرر در دوره‌های مختلف تاریخی مصور شده و ارتباط تنگاتنگی با موضوع پژوهش دارد، نسخه شاهنامه فردوسی است که سراسر دارای مضامین حماسی می‌باشد.

در موزه ملی ایران سه نسخه از شاهنامه نگهداری می‌شود که دو نسخه آن مصور است. یکی از زیباترین آن دو مربوط به دوره صفویه و دارای مینیاتورهایی در مکتب تبریز و دارای شماره موزه ۴۳۳۶ است (تصویر ۴) که به علت حجم زیاد تصاویر، فقط به مجلس بیستم آن که بیانگر رزم «بیژن و هومن» می‌باشد، پرداخته شده است. در این مجلس ابزار و ادوات جنگی

۱. بلوم و بلر، هنر و معماری اسلامی ۲، ص ۴۴۵.

۲. این شاهنامه به خط نستعلیق و دارای ۸۵۰ صفحه و هر صفحه آن دارای ۲۷ سطر می‌باشد و در مجموع دارای ۲۶

نظیر گرز، تیر، ترکش (تیردان)، سپر، کمان، شمشیر و کلاه خود دیده می‌شود. از جمله ادوات جنگی شاخص این مجلس گرز و سپر می‌باشد. گرز یا چماق از قدیمی‌ترین ابزارهای شناخته و ساخته شده توسط انسان می‌باشد.^۱ سپر از دیگر ابزارهای رزمی این مجلس نقاشی است که به‌عنوان تنها وسیله حفاظت انفرادی محسوب می‌شده است که به هنگام حمله دشمن آن را محافظ اعضای بدن قرار می‌دادند.^۲

در این پژوهش علاوه بر نسخه ۴۳۳۶ تصویر چهار مجلس مینیاتور دیگر به شماره موزه‌های ۴۵۵۵، ۲۰۶۵۸، ۲۰۶۵۹ و ۲۲۵۱۹ آمده که به‌صورت تک‌برگ‌هایی، موزه ملی ایران را مزین نموده که مضمون آنها حماسی و بیانگر صحنه نبرد رستم و دیو، نبرد اسفندیار، نبرد گودرز و ... است. ابزار و ادوات جنگی متعددی در این مجالس نظیر شمشیر، تیردان، کلاه‌خود، نیزه، تیر و کمان و سپر دیده می‌شود. این ابزار و ادوات جنگی نه‌تنها در مینیاتورها، بلکه در اشعار شاهنامه نیز دیده می‌شود. به همین خاطر می‌توان از شاهنامه به‌عنوان یکی از منحصربه‌فردترین منابع برای شناخت ابزارهای جنگی ایران در ادوار گذشته یاد نمود.

از دیگر نسخه‌های مصور مزین به ابزار و ادوات جنگی موزه ملی ایران، شاهنامه قاسمی می‌باشد که با شماره موزه ۴۳۶۲ در گنجینه اسلامی نگهداری می‌شود. شاهنامه قاسمی^۳ از نسخ مشهوری است که در دوره صفوی به سبک و سیاق شاهنامه فردوسی سروده شده است. از آنجا که سراینده کتاب قاسمی گنابادی است، این شاهنامه به نام او نام‌گذاری شده است.^۴ در این مقاله مجلس دهم این نسخه - که در صفحه ۲۰۶ واقع شده - آمده است که مضمون آن «حصار شدن دشمن در قلعه» می‌باشد (تصویر ۵). در سمت راست تصویر، قلعه‌ای با باروها و کنگره‌هایی نشان داده شده که گروهی از سربازان در حال حمله و رخنه به درون آن هستند. دیوارها با نقوش هندسی تزیین

۱. چماق‌ها یا گرزها در ابتدا از سنگ بود که انسان ماقبل تاریخ از آن به‌عنوان ابزار و سلاح استفاده می‌کرد. این ابزار در ادوار بعد با رایج شدن فلز به گرزهای زره‌شکن تبدیل شد. سر گرز زره‌شکن معمولاً سنگین و گل میخ‌دار بود که از این خاصیت برای کوبیدن و خرد کردن سپر یا زره دشمن استفاده می‌شد. (ر.ک به: پوردادود، «زین‌ابزار: گرز»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال یکم، شماره ۵ و ۶، ۱۳۴۵، ص ۳۱ - ۱۹)

۲. انواع سپر عبارتند از: سپرهای کوچک و هلالی بافته‌شده از نی، سپرهای بیضی‌شکل دارای یک گل سپر فلزی در وسط آن و سپرهای بزرگ و مستطیلی.

۳. شاهنامه قاسمی به خط نستعلیق بر کاغذ ابری الوان به اندازه ۳۳۰ × ۳۵۰ میلیمتر در ۲۵۲ صفحه تنظیم شده است. نقوش روی جلد کتاب با تکنیک ضربی و درون جلد با تکنیک معرق ساخته شده است.

۴. این نسخه دارای دو متن در دو مضمون متفاوت می‌باشد که یکی در داخل کادر و دیگری در حاشیه قرار گرفته است. متن داخل کادر کتاب، شاهنامه قاسمی است. متن دوم تمرنامه یا تیمورنامه است که در حاشیه نسخه آمده

است. این منظومه در اواخر دوره تیموری در باب زندگی تیمور نوشته شده است.

شده، در پایین دو سرباز با تبر در حال شکستن دروازه قلعه‌اند و چند سرباز دیگر از نردبانی که به دیوار قلعه تکیه داده شده، بالا می‌روند. در بالا و پشت تپه، در زمینه آبی لاجوردی آسمان، گروهی از سپاهیان با بیرق و شیپور و کرنا^۱ سوار بر اسب دیده می‌شوند. آنچه در این تصویر واجد اهمیت است، وجود قلعه می‌باشد که در گذشته نقش حفاظت افراد در هنگام جنگ یا به عبارتی جنبه تدافعی در مقابل دشمن را داشته است. تفکر در تسخیر قلعه باعث ابداعاتی در زمینه ابزار و ادوات جنگی شده است که از این نظر می‌توان به قلعه‌کوب و ماشین‌های پرتاب سنگ (کشکنجیر) و نردبان اشاره کرد. از ادوات و ابزار جنگی دیگری که در این تصویر دیده می‌شود می‌توان به این موارد اشاره کرد: شمشیر^۲، کمان^۳، تیر^۴ و پیکان^۵ علاوه بر اینها در این مجلس سازهایی نظیر شیپور (به رنگ برنزی و طلایی) دیده می‌شود که مخصوص جنگ هستند. در گذشته برای تقویت روحیه سربازان و ارتش و تشویق آنها به جنگ علیه دشمن از موسیقی جنگی استفاده می‌کردند. سازهایی نظیر کووس، دهل، کرنا، شیپور و سرنا آلات و ابزار موسیقی جنگی بوده که نویسندگان، مورخان و شاعران ما بارها از آنها نام برده‌اند.

۱. کارنای یا کرنا مرکب از کریکار به معنای جنگ و نای، یعنی نای جنگی است. این وسیله بوقی دراز است که در قدیم هنگام جنگ استعمال می‌نمودند. فردوسی گوید:

خروش آمد و ناله کرنای برفتند گردان لشکر زجای

۲. یکی دیگر از ابزارهایی است که دارای سابقه‌ای چند هزار ساله در فرهنگ و هنر ایران است. شمشیر سلاحی است فلزی و برنده که تیغه آن دراز و گاه منحنی و گاه مستقیم (شمشیرهای صدر اسلام) و دارای یک دمه است. محل به دست گرفتن شمشیر را قبضه یا مشته گویند.

۳. «کمان» از ابزارهایی است که هم‌اوردان دور از همدیگر در نبرد به کار می‌بردند. این ابزار در آغاز از شاخ‌های گوزن و این‌گونه چهارپایان ساخته می‌شد. کمان‌های سابق به دو شکل ساخته می‌شد: یک نوع قوس‌دار و نوع دیگر مستقیم که در طرفین منقبض آن برآمدگی داشت. کمان‌های مستقیم را «کمان چهار خم» می‌گفته‌اند؛ زیرا از یک طرف دو خمیدگی برجسته و از طرف دیگر دو خمیدگی گود داشته‌اند. به همراه افراد مصورشده در این مجلس مینیاتور، کمان و در داخل کمان‌دان قرار گرفته که در فارسی کمان چوله خوانده شده است. (برای اطلاعات بیشتر راجع به کمان ر.ک به: پورداوود، «زین‌ابزار: تیر و کمان»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۴۶، ص ۴۶ - ۲۹)

ز بهر جنگ دشمن دست نابرده بزه گردد غلامان ترا هنرمان (هر دم) کمان اندر چوله

فرخی سیستانی، دیوان فرخی، ص ۳۵۰

۴. یکی از ابزارهایی که به همراه کمان به کار می‌رود، تیر می‌باشد. واژه تیر در فارسی از تیگر (tigra) پارسی باستان است که در اوستا تیگر (Tighra) می‌باشد. تیر به همراه کمان‌دار بوده و معمولاً در داخل تیردان یا ترکش نگهداری می‌شده است. در هر تیردان معمولاً سی تیر جای داده می‌شود. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: همان)

۵. بر سر تیر، فلزی نوک‌دار نصب است که به آن پیکان می‌گویند. پیکان علاوه بر سر تیر، بر سر نیزه نیز به کار

یکی دیگر از نسخه‌های خطی مصور به ادوات رزم موزه ملی ایران، خمسه نظامی (م. ۶۱۵ - ۶۰۷ ق) با شماره موزه ۴۳۲۵ می‌باشد (تصویر ۶). این منظومه در سده دهم هجری به خط نستعلیق به رشته تحریر درآمده،^۱ و دارای ۱۹ مجلس نقاشی است. در این پژوهش تصویر مجلس هفدهم آن آمده است که مضمون مجلس، صحنه نبرد سپاه یونان با روس است. در این مجلس نقاشی آنچه مرتبط با این مقاله است، ابزار و ادوات جنگی به کار رفته در آن می‌باشد. یکی از این ابزارها «نیزه» است.^۲ در متون نیزه معمولاً با زوبین به کار برده می‌شود که دارای اندک تفاوتی با هم هستند؛ نیزه به ابزار رزم دسته‌بلند گفته می‌شود که در این مجلس نقاشی دیده می‌شود و زوبین (زوبین، ژوبین یا چوبین) در فارسی به نیزه دسته کوتاه می‌گویند.^۳ از اواخر دوره صفوی قلمدانی^۴ با شماره موزه ۴۳۷۲ با نقش صحنه نبرد دیده می‌شود که نقاشی آن دارای رقم محمد زمان می‌باشد. در این نقاشی می‌توان ادوات رزم نظیر شمشیر و نیزه را ملاحظه کرد.

علاوه بر نسخه‌های مصور، یک‌سری نقاشی‌ها تک‌برگی هستند که وابستگی به نسخه‌ها ندارند. این آثار به قطعه نقاشی معروف هستند که نمونه‌های فراوانی از آنها از اواخر دوره صفویه به بعد در

۱. این نسخه دارای ۷۴۱ صفحه و ۱۹ سطر در هر صفحه و بدون رقم و دارای تاریخ ۹۵۰ ق و ۱۹ مجلس نقاشی است.

۲. نیزه، حربه معروفی است که به عربی آن را رمح و سنان و در اوستا «ارشتی» (Arshti) می‌گویند. در زبان پارسی باستان (که زبان روزگار هخامنشی است) همین واژه در سنگ‌نبشته‌های آنها به کار رفته است. در متون منظوم و منثور در بیشتر موارد نیزه و زوبین (ژوبین) در کنار همدیگر به کار رفته است. (پوردادود، «ورقی از تاریخ سلاح در ایران: زین‌ابزار»، قسمت ۳، مجله بررسی‌های تاریخی، سال یکم، ش ۴، ۱۳۴۵، ص ۲۳)

۳. «نیزهداری» و «نیزه‌بازی» دو اصطلاح مرتبط با نیزه است که درک مفهوم آن در تحلیل نگاره‌های رزمی ایران مفید خواهد بود. «نیزهداری» یکی از بلندپایه‌ترین مقامات دربار شاهان ایران به‌خصوص در دوره هخامنشی بوده است. کسانی که به این پایه می‌رسیدند، پشت سر شاه با نیزه برافراشته می‌ایستادند؛ چنان‌که داریوش در لشکرکشی کمبوجیه به مصر در سال ۵۳۵ ق نیزه‌بر و نیزه‌دار بوده است. همچنین آخرین شاهنشاه ماد که در سال ۵۸۵ ق از کوروش هخامنشی شکست خورد، در نوشته‌های یونانیان «استیاز» (Astyages) یاد گردیده که تلفظ درست آن در پارسی باستان «ارشتی و یگه» Arstivaigi آمده است که از نظر لغوی به معنای نیزه‌انداز و نیزه‌باز می‌باشد. «نیزه‌بازی» در اصل مشق و اعمال ورزشی و لشکری با نیزه و نوعی ورزش برای آموختن اعمال نیزه در موقع جنگ است. (رک. به: همان، ص ۲۴)

۴. ابزار کتابت و لوازم خوش‌نویسی ایران دوره اسلامی شامل دوات با لیفه، قلم نئین، قلم‌تراش، قطنز، قیچی، سنگ فسان، قلم جدول کشی و قاشق آب در دوات ریزکن می‌باشند که همه در ابزاری دیگر به نام قلمدان جای داده می‌شدند. (کارگر و ساریخانی، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی ایران، ص ۱۹۴) بنابراین قلمدان، قوطی کوچکی است که ابزار فوق در آن جای داده می‌شود. (همان، ص ۱۸۶) از جمله مضامینی که عامه‌پسند و مورد توجه اقشار مختلف جامعه بود، مضامین حماسی شاهنامه فردوسی به‌خصوص صحنه‌های نبرد آن می‌باشد. آنچه در این دو قلمدان مورد توجه است، ابزار و ادوات جنگی به کار رفته در آنها می‌باشد که زیبایی خاصی به درون و بیرون قلمدان‌ها بخشیده است.

هنر ایران باقی‌مانده و موزه‌های داخل و خارج را مزین نموده است. یکی از این نمونه‌ها، یک قطعه نقاشی از لطفعلی خان زند با شماره موزه ۴۰۳۸ رقم «بهرام شیرازی» است که در گنجینه اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. در این تصویر لطفعلی خان مسلح به ابزار جنگی و سوار بر اسب است. از این نگاره و دیگر نگاره‌های باقی‌مانده از این عصر می‌توان به اطلاعات باارزشی از ابزار جنگی دوره زندیه دست یافت (تصویر ۷).

در پایان باید اشاره داشت که در موزه ابزاری که به‌عنوان محل نگهداری ابزارهای کتابت و نقاشی وجود دارد که از آن تحت عنوان قلمدان نام برده‌اند. اکثر قریب به اتفاق آثاری از این دست که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند، دارای تصاویر در مضامین مختلف می‌باشند. از جمله مضامین این قلمدان‌ها که در ارتباط با موضوع این پژوهش می‌باشند، مجالس رزم و جنگ و شکار هستند که در خود تعدادی از رزم‌ابزارها را گنجانده‌اند. یکی از این آثار قلمدانی با شماره موزه ۴۳۷۷ می‌باشد که با این اثر وارد دوره قاجار می‌شویم. این اثر دارای صحنه نبرد است و رقم آن «یا شاه نجف» می‌باشد که از نظر تاریخ‌گذاری به اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه می‌رسد.

۲. نگاره‌های رزم در سفال‌های منقوش

سفال‌ها از مهم‌ترین اسناد در بررسی میدانی و کاوش‌های باستان‌شناسی است که نقش مهمی در روشن نمودن زوایای تاریک تاریخ و گاه‌نگاری محوطه‌های باستانی در صورت دست نیافتن به مدارک مکتوب دارد؛ به‌خصوص اگر سفال دارای نگاره یا منقوش باشد، نقش شایان توجهی در تحلیل‌های باستان‌شناسی خواهد داشت. بنابراین نقش آن در دوران قبل از اختراع خط - که تحت عنوان پیش از تاریخ نام‌گذاری شده است - دارای اهمیت دوچندان است. در این پژوهش نگارنده نیز به تناسب نبودن اسناد و مدارک کافی از رزم‌افزارهای ایران در اوایل اسلام (قرون ۱ الی ۵ ق) و همچنین به‌علت نداشتن نسخه‌های مصور، از سفال‌های منقوش مزین به صحنه‌های رزم بهره برده است. بنابراین برای رسیدن به درک معقولی از ابزار و ادوات رزم در صدر اسلام می‌توان از نگاره‌های این دوران که بیشتر بر روی آثار سفالی و گاهی اوقات در نقاشی دیواری دیده می‌شود، کمک گرفت.

بهترین سفالینه‌های منقوش دارای نگاره‌های رزم، در کاوش‌های باستان‌شناختی نیشابور به‌دست آمده است. سفال با شماره موزه ۹۶۰۴ (تصویر ۸) جنگجویی را به تصویر کشیده است که در یک دست، خنجر و در دست دیگر ابزاری شبیه به گرز دارد. کاسه سفالی با شماره موزه ۲۲۲۳۵ نیز^۱ دارای نقش سواره‌نظامی مسلح به شمشیر و سپر است. این اثر دارای لعاب رنگارنگ و متعلق به

قرون ۳ و ۴ ق و دارای کتیبه به خط کوفی تزیینی است. اثر دیگر که دارای شماره موزه ۳۹۰۹ است نیز کاسه سفالی است که احتمالاً دارای نقش سواره نظامی مسلح به نیزه می باشد (تصویر ۹). در اطراف این اثر انواع حیوانات و پرندگان چون پلنگ، بز کوهی با شاخ های بلند و پرنده گانی چون مرغابی نقش گردیده است. کاسه سفالی با شماره موزه ۲۲۲۵۴^۱ نمونه دیگری است که منقش به سواره نظامی مسلح به شمشیر و سپر می باشد. علاوه بر این می توان به مجسمه اسب سوار سفالی با شماره موزه ۳۳۳۴ (تصویر ۱۰) که از ساوه به دست آمده و یک کاشی مدور با نقش اسب سوار مسلح به تیر و کمان با شماره موزه ۳۱۹۳ اشاره داشت. در نمونه اخیر اسب در حال تاخت است و سوار کار صورتش به طرف بیننده است و گویی به عقب برگشته است. در این تصویر بر ترک اسب نیز کمائی دیده می شود. کاسه سفالی دیگر دارای شماره موزه ۲۲۱۳۷ (تصویر ۱۱) است که دارای ابزار و ادوات رزم می باشند. بر روی لبه این ظرف یک ردیف نوشته به خط کوفی مشاهده می شود که تکرار کلمه «الدوله» است. بر روی بدنه این ظرف نقش چهار اسب سوار به همراه چهار خدمتکار دیده می شود و در کف ظرف نقش اسب سواری در حال شکار آهو به چشم می خورد. در لبه خارجی ظرف نیز کلمه «الدوله» به خط کوفی آمده است.

از نکات جالب توجه در نگاره های این سفال ها وجود نقش اسب است. این نقش نشانه آن است که اسب جایگاه مهمی در جنگ ایفا می کرده و اهمیت زیادی در زندگی مردم داشته است. علاوه بر اسب، از حیواناتی نظیر شتر و فیل^۲ هم در جنگ استفاده می شد.

نتیجه

در پایان می توان به این نتیجه دست یافت که مطالعه رزم افزارهای ایران بیانگر تحولات تکنولوژیکی و ساختاری ادوات و ابزارهای رزم در دوران اسلامی هستند. از این لحاظ ابزارها و نمادهای رزم موجود در گنجینه اسلامی موزه ملی ایران با توجه به مستندات حاضر در متن همراه با تصاویر ارائه شده از جمله مجالس رزمی و حماسی، قطعات نقاشی و مینیاتورها، رزم افزارهای فلزی (شمشیر، سپر و ...)، نگاره های دارای آثار و نمادهای رزمی بر روی سفال، کاشی و ... با تاریخ های متفاوت بیانگر سیر تحول ابزار و ادوات رزم (تجهیزات نظامی) می باشند. ابزارهای رزم ارائه شده در تصاویر گویای این امر است که ابزار و ادوات رزم ایران به دو دوره متفاوت قبل و بعد از دوره صفویه تقسیم می شود. این ابزار تا قرن دهم هجری تقریباً یکسان و شامل اسلحه های سرد نظیر شمشیر، سپر،

۱. در مجموعه تلویزیون قرار دارد.

۲. نقش فیل را می توانید در مجلس هفدهم خمه نظامی با شماره موزه ۴۳۲۵ ملاحظه نمایید.

خنجر، کمان، تیردان، منجیق و ترکش بوده است. از قرن دهم به بعد اسلحه گرم (تفنگ) به آن اضافه می‌شود که در ابتدا در سطحی محدود مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ سپس در اواخر دوره صفویه و دوره‌های زندیه و قاجاریه مراحل تکامل خود را طی کرده و در حد زیاد استعمال شده تا اینکه در حال حاضر به اوج پیشرفت خود رسیده است.

استنتاج دیگر آنکه، آثار هنری گنجه‌ها اسلامی موزه ملی ایران دربرگیرنده شواهد مادی نظیر ابزارهای رزم مانند شمشیر با تیغه راست مربوط به اوایل اسلام تا قرون ۴ و ۵ ق است که حاکی از تأثیرپذیری از روند اسلحه‌سازی ساسانی در ایران می‌باشد. این تأثیر را حتی در تزیین و نقوش آثار رزم نیز می‌توان دید؛ به‌خصوص در نقوش فلسی‌شکل که خاص دوره ساسانی بوده و ادامه روند آن در دوره اسلامی است؛ همچنین شمشیری از دوره صفوی با تیغه منحنی و ساخته‌شده از فولاد که بیانگر ابداع فولاد و کاربرد آن در ساخت رزم‌افزارها در این برهه از زمان است. این اثر علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های تکنیکی ساخت نظیر تیغه منحنی، دارای کتیبه‌هایی مزین به آیات قرآن در باب فتح و پیروزی می‌باشد که مضمون کتیبه با کاربری اثر تناسب دارد. همچنین می‌توان به انواع شمشیر، خنجر، کمان، نیزه، قلعه‌کوب و حتی طرح و پلان قلعه که در نگاره‌ها تزیین‌کننده مجالس نقاشی است و در متون اسلامی و نسخه‌های خطی فقط به ذکر آنها اکتفا شده است، اشاره کرد. با ارائه این مدارک مستند و سندپژوهانه، می‌توان شکل و شمایل آنها را به‌صورت تصویر در نگاره‌ها شناسایی کرد و طرح آنها را بازسازی نمود.

شایان ذکر است این نگاره‌ها مهر تأییدی بر ابزارهای رزم ایران در دوران اسلامی هستند و می‌توانند نقش مهمی در اعتلای تاریخ هنر و فرهنگ و تمدن ایران داشته باشند. به‌عنوان نمونه می‌توان به نقش این امر در هنر سینما اشاره داشت؛ به‌خصوص در بخش ساخت فیلم‌های تاریخی دارای صحنه‌های نبرد که جهت ارائه فضای تاریخی متناسب با زمان فیلم‌نامه مفید خواهند بود. حتی از بررسی رزم‌افزارها و نقش و نگارهای آنها می‌توان به فرهنگ ایرانی - اسلامی پرداخت و به رزم‌افزارها از این زاویه پژوهش نگریست و در اعتلای آن اهتمام داشت که پرداخت به آنها مستلزم پژوهش‌های نوینی است. شناسایی نگاره‌های با مجالس رزم علاوه بر موارد مذکور می‌تواند کاربردهای فراوان دیگری داشته باشد که ارائه آنها پژوهش‌های مستقل دیگری طلب می‌کند.

در ادامه باید اذعان داشت تشکیلات نظامی ایران در دوران اسلامی از دو بخش عمده سواره‌نظام و پیاده‌نظام تشکیل یافته است. این تشکیلات نظامی را می‌توان تنها از نسخه‌های خطی مرتبط و متون اسلامی باقی‌مانده استنتاج کرد؛ از این رو آثار هنری این گنجه‌ها نمی‌تواند بازگوکننده



تصویر ۱: تصویر سیاه‌قلم یک سرباز با تفنگ و شپو که تصویر مرد دیگری با پالتو و شل و کلاه سربازی در پشت آن دیده می‌شود؛ قرن ۱۳ ق؛ طول ۲۱/۲ و عرض ۱۸/۷ س. م؛ شماره موزه: ۴۵۸۳.



تصویر ۲: شمشیر آهنی با نیام نقره مربوط به اوایل اسلام؛ طول ۹۲/۱ و عرض تیغه ۳/۶ س. م؛ شماره موزه: ۲۲۲۷۵.



تصویر ۳: شمشیر فولادی با نیام چرم سیاه و دسته عاج. بر تیغه شمشیر جمله «بنده شاه ولایت عباس» و جمله «عمل اسدالله» طلاکوب شده است؛ طول ۱۰۴ س. م؛ شماره موزه: ۲۱۶۷۱.



تصویر ۵. مجلس رزم، برگي از شاهنامه قاسمی؛
قرن ۱۰ هجری؛ طول ۳۵ و عرض ۲۳/۸ س. م؛
شماره موزه: ۴۳۶۲.



تصویر ۴. مجلس رزم، برگي از شاهنامه فردوسی؛
قرن ۱۰ هجری؛ طول ۲۸/۵ و عرض ۱۷/۸ س. م؛
شماره موزه: ۴۳۳۶.



تصویر ۷. تصویر لطفعلی خان زند سوار بر اسب
با شمشیر و تیردان؛ قرن ۱۲ هجری؛ با طول ۲۰
و عرض ۱۳/۸ س. م؛ شماره موزه: ۴۰۳۸.



تصویر ۶. مجلس نبرد از خمسه نظامی؛
قرن ۱۰ هجری؛ شماره موزه: ۴۳۲۵.



تصویر ۹. کاسه سفالی امیری اسب‌سوار با نیزه در دست؛ ارتفاع ۱۱/۵ س. م و دهانه ۳۸ س. م؛ شماره موزه: ۳۹۰۹.



تصویر ۸. کاسه سفالی با نقش یک انسان که در یک دست خنجر و در دست دیگر شیئی شبیه به گرز دارد؛ قرن ۳ و ۴ هجری؛ ارتفاع ۶/۲ و دهانه ۱۶/۲ س. م؛ شماره موزه: ۹۶۰۴.



تصویر ۱۱. کاسه سفالی با نقش اسب‌سوار در مرکز ظرف که با تیر و کمان در حال شکار می‌باشد. بر بدنه ظرف به خط کوفی کلمه «الدوله» حک شده است؛ ارتفاع ۸/۷ س. م و دهانه ۲۰/۸ س. م؛ شماره موزه: ۲۲۱۳۷.



تصویر ۱۰. مجسمه اسب‌سوار سفالی فیروزه‌ای؛ قرن ۶ و ۷ هجری؛ ارتفاع ۲۳ و عرض ۲۱ س. م؛ شماره موزه: ۳۳۳۴.

منابع و مأخذ

۱. ابن الجوزی، سبط، *مرآت الزمان*، آنکارا، نشر علی سویم، ۱۹۶۸ م.
۲. ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، *مختصر البلدان*، ترجمه ج. مسعود، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

۳. ادموند باسورث، کلیفورد، *تاریخ غزنویان*، ج ۲ - ۱، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۴. اسماعیلی، محبوبه، «فتوح مغول تا تشکیل حکومت ایلخانان»، مجموعه فرهنگ اصطلاحات دیوانی مغولی، تهران، فرهنگستان ادب و هنر، ۱۳۵۷.
۵. اشیولر، بارتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۶. اصفهانیان، داوود، «تشکیلات نظامی سلجوقی»، دو ماهنامه بررسی‌های تاریخی، آذر و دی ۱۳۵۲، شماره ۴۸، ص ۷۲ - ۵۷.
۷. بارتولد، واسیلی ولادیمیر، ترکستان‌نامه، ج ۲، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۸. بلوم، جان‌تان و شیلا بلر، هنر و معماری اسلامی ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۹. بیانی، خان‌بابا، تاریخ نظامی ایران: جنگ‌های دوره صفویه، تهران، مرشد، چ ۱، ۱۳۸۰.
۱۰. پورداوود، ابراهیم، «زین‌ابزار: تیر و کمان»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۴۶.
۱۱. _____، «زین‌ابزار: گرز»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال یکم، شماره ۵ و ۶، ۱۳۴۵.
۱۲. _____، «ورقی از تاریخ سلاح ایران: زین‌ابزار»، قسمت ۳، مجله بررسی‌های تاریخی، سال یکم، شماره ۴، ۱۳۴۵.
۱۳. توین‌بی، آرنلد، جنگ و تمدن، ترجمه خسرو رضایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۳.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد - دوره عالی جنگ، ۱۳۸۰.
۱۵. جوینی، عطاملک، تحریر نوین جهانگشای جوینی، به کوشش منصور ثروت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۶. رایینسن، ب. و، تاریخ هنر ایران ۱۱: هنر نگارگری ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۶.
۱۷. زنجانی، برات، «شاهنامه فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس (۶۱۴ ق)»، نامه بهارستان، سال اول، شماره اول، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۸. شعبانی، رضا، «ارتش ایران در دوران زندیه»، مجله پژوهشنامه تاریخ، شماره ۲، ۱۳۸۵.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ ۴، ۱۳۶۸.
۲۰. عسکرانی، محمدرضا، «نقش نیروهای نظامی ایران در شکل‌گیری کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹»،

- ۴۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، تابستان ۹۲، شماره ۱۱
۲۱. غروی، مهدی، «قدیمی ترین شاهنامه مصور جهان»، *مجله هنر و مردم*، شماره ۱۳۵، ۱۳۷۵.
۲۲. فرخی سیستانی، دیوان فرخی سیستانی، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار، ۱۳۷۸.
۲۳. قدیانی، عباس، *تاریخ فرهنگ و تمدن دوره صفویه*، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۴.
۲۴. قوزانلو، جمیل، *تاریخ نظامی ایران*، ج ۱، تهران، چاپخانه مرکزی، ۱۳۱۵.
۲۵. کارگر، محمدرضا و مجید ساریخانی، *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی ایران*، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
۲۶. کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چ ۸، ۱۳۷۵.
۲۷. کولسینکف، آ. ای، *ایران در آستانه یورش تازیان*، ترجمه محمد رفیق یحیایی، پیراستار. و. پیگولفسکایا، تهران، آگاه، چ ۱، ۲۵۳۵ (۱۳۵۵).
۲۸. گیرشمن، رومن، *هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.
۲۹. لک‌پور، سیمین، *سپید روی*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵.
۳۰. مبین، ابوالحسن، «حضور دیلمیان در تشکیلات نظامی حکومت‌های متقارن»، *پژوهشنامه تاریخ*، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۸۶.
۳۱. نفیسی، سعید، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
۳۲. نیشابوری، ظهیرالدین خواجه امام، *سلجوقنامه*، تهران، کلاله خاور، ۱۱۳۲.
۳۳. ویسهوفر، یوزف، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، چ ۱، ۱۳۷۷.